

پژوهشی در کتابشناسی جنگهای رده

احمد پاکتچی

دانشکده الهیات، دانشگاه امام صادق

چکیده:

جنگهای رده از دیدگاه تاریخی حائز اهمیت فراوان است و در دست داشتن تحلیل صحیحی از این جنگهایی تواند در تحلیل فرایند گسترش اسلام در سده نخست هجری و نیز جایگاه خلافت در برهه آغازین آن کار باشد. پوشیده نیست که در روایات کهن تاریخی، ارتداد در مسأله رده به دو معنای خروج از دین، و امتناع از پرداخت مالیات همراه با پذیرش اسلام مطرح بوده و خلط بین این دو معنا موضوع تاریخی رده را در ابهام قرار داده است. در مقاله حاضر به عنوان دو موضوع پایه برای پژوهش درباره رده، نخست طرحی برای رده‌بندی گزارشهای کهن رده براساس تفکیک این دو معنا ارائه شده و سپس قدیم‌ترین منابع تاریخی درباره جنگهای رده معرفی شده‌است.

کلید واژه‌ها: رده، ارتداد، مانعین زکات، خلافت، تک‌نگاریها.

آنگاه که خبر درگذشت رسول خدا(ص) در سال ۱۱ هجری در سطح جزیره العرب منتشر شد، ساکنان شبه جزیره را دو گروه فرهنگی متمایز تشکیل می دادند: نخست آنان که اسلام آورده بودند و دیگر کسانی که هنوز بر دین خود باقی بودند. آن گروه که هنوز اسلام نیاورده بودند، طبعاً با از دنیا رفتن پیامبر اسلام(ص) قوت و قدرتی بیشتر احساس می کردند و بر پایه چنین احساسی، علناً رویارویی و معارضه‌ای سخت را آغاز کردند و در سویی دیگر، اسلام آوردگان همگی در حال انتظار، چشمها را به سوی مدینه دوخته بودند و از هر رهگذری جوایای خبرهای تازه از مدینه بودند.

پس از برگزاری سقیفه و بیعت با ابوبکر، برخی از قبایل اسلام آورده عرب، به چنین

بیعتی گردن نهادند و به تبع از پرداخت زکات خود به خلیفه خودداری ورزیدند. همین مسأله منجر به شعله‌ور شدن آتش جنگ میان خلیفه و برخی از قبایل عرب شد که مورخان مسلمان مجموع این وقایع را «رده» نام نهاده و قبایل درگیر جنگ را «مرتدین» خوانده‌اند.

جنگهای رده از دیدگاه تاریخی حائز اهمیت فراوان است و در دست داشتن تحلیل صحیحی از این جنگها می‌تواند در تحلیل فرآیند گسترش اسلام در سده نخست هجری و نیز جایگاه خلافت در برهه آغازین آن کارساز باشد. با این وصف باید عنایت داشت که اهمیت موضوع از نظر مواضع اعتقادی، خود موجب بوده است تا مبحث رده به یکی از پیچیده‌ترین مباحث در تاریخ‌نگاری صدر اسلام مبدل گردد. ابهام موجود در جریانهای فکری حاکم بر این جنگها و هم تأثیر موضع‌گیری‌ها در ضبط و تفسیر وقایع، در عمل موجب شده است تا در میان منابع تاریخی، حتی درباره فضای اصلی این جنگها اتفاق نظری وجود نداشته باشد. در پاره‌ای از روایات مسأله رده به گونه‌ای مطرح شده که گویی به جز مکه و مدینه و پیرامون آنها، کمتر عربی در شبه جزیره بر دیانت اسلام پابرجا مانده بوده است؛ در حالی که بر پایه دسته‌ای دیگر از روایات، اساساً ارتداد را در ماجرای رده نباید به معنای خروج از دین تلقی کرد. دسته سومی از روایات نیز وجود دارند که اهل رده را به دو گروه مرتدان از دین، و مسلمانان مانع زکات تقسیم کرده‌اند. بدیهی است ثابت شدن هر یک از این شقوق می‌تواند اثری تعیین‌کننده در پاسخ این سؤال باشد که خلافت نخستین برای استحکام پایه‌های خود با چه جریانهای سیاسی و اجتماعی مواجه بوده است.

کوششی در رده‌بندی روایات:

الف - نمونه روایات دسته اول:

۱. سیف بن عمر: «آنگاه که با ابوبکر بیعت شد ... در قبایل عرب گاه همگی و گاه در هر قبیله دسته‌ای مرتد شدند» (طبری، ۴۶۱/۲).
۲. همو: «... اهل زمین کافر شدند و قبایل جز قریش و ثقیف، گاه همگی و گاه در هر قبیله دسته‌ای مرتد شدند» (همو، ۴۷۵/۲).

۳. همو: «... قبایل اسد و غطفان و هوازن و سلیم و طیث ... در زمان ارتدادشان بر اهل اسلام تعدی کردند» (همو، ۲/۴۹۰).

۴. مسعودی: «عرب بجز اهل مدینه و مکه و پیرامون آن، و اندک کسانی دیگر همگی مرتد شدند» (مسعودی، مروج الذهب، ۲/۳۰۱).

ب - نمونه روایات دسته دوم:

۱. عمر بن شبه: «... هیأت‌های اعراب مرتد نزد او (خلیفه) آمدند، در حالی که به فرض نماز اقرار داشتند و تنها از پرداخت زکات خودداری می‌کردند. اما ابوبکر این روش را از آنان نپذیرفت و ایشان را بازگردانید» (طبری، ۲/۴۷۴، قس: الامامة والسياسة، ۱/۱۷).

۲. ابن شهاب زهري: «چون پیامبر (ص) وفات یافت و ابوبکر جانشین او شد و مردم عرب کافر شدند، عمر بن خطاب به ابوبکر گفت: چرا با مردم می‌جنگی؟ در حالی که پیامبر (ص) فرموده است که من مأمورم با مردم بجنگم تا آنکه به یگانگی خداوند و رسالت من گواهی دهند و همین که شهادتین را گفتند، جان و مالشان را از ناحیه من در امان داشته‌اند، مگر در مورد حق که حساب آن با خداست. ابوبکر گفت: به خدا سوگند اگر زکاتی راکه به پیامبر (ص) می‌پرداختند، به من نپردازند، گرچه پای بند شتری باشد، بی‌شک با آنان خواهم جنگید» (بخاری، ۱/۲۴۳، ۴/۱۹۶، ۲۵۷؛ مسلم، ۱/۵۱-۵۲؛ ابوداود، ۲/۹۳؛ ترمذی، ۵/۳؛ نسائی، ۵/۱۴، ۶/۵، ۷/۷۷-۷۸؛ احمد، ۱/۱۱، ۱۹، ۳۶، ۴۷).

ج - نمونه روایات دسته سوم:

۱. یعقوبی: «کسانی از عرب دعوی نبوت کردند، گروهی مرتد شدند و تاج (شاهی) بر سر نهادند و گروهی از پرداخت زکات به ابوبکر خودداری ورزیدند» (یعقوبی، تاریخ، ۲/۱۲۸).

۲. مسعودی: «بیشتر اعراب پس از وفات پیامبر (ص) مرتد شدند؛ گروهی کافر شدند و گروهی از پرداختن زکات سرباز زدند» (مسعودی، التنبیه، ۲۴۷).

تحلیل و هم‌سنجی روایات:

درباره روایات دسته اول که از ارتداد واقعی اعراب و خروج از دین سخن گفته‌اند،

باید گفت عمده‌ترین مأخذ این روایات آثار سیف بن عمر (د بعد ۱۷۰ق) است که گزینش او از روایتها و گزارشها به گونه‌ای است که بیشترین هماهنگی با دیدگاههای عثمانیه در آن نمود یافته است. مسعودی (د ۳۴۶ق) نیز ممکن است از روایت سیف تأثیر پذیرفته باشد، با عنایت به اینکه روایت او در التنبیه والاشراف در زمرة روایات دسته سوم جای گرفته است.

روایات دسته دوم از نظر نقد سنتی روایات، قوی‌ترین روایات مربوط به رده نزد اهل سنت هستند؛ این روایات نه تنها در پنج «صحیح» از «صحاح سته» جای گرفته‌اند، بلکه در آثار مورخان معتبری چون عمر بن شبه و واقدی نیز نقل شده‌اند. با وجود این، روایات دسته دوم می‌توانند از نظر دلالت مورد گفت‌وگو قرار گیرند؛ چه روایت زهری، ابن شبه و دیگران نشان می‌دهد که ارتداد در گزارش جنگهای رده در بسیاری از موارد به معنای اصطلاحی خود به کار نرفته است؛ ولی این احتمال وجود دارد که اقلیتی از قبایل عرب واقعاً مرتد شده و مثلاًگرد پیامبری دروغین اجتماع کرده باشند. این احتمال نه تنها در برخی از منابع تاریخی مربوط به رده تأیید شده، بلکه در دسته سوم از روایات به عنوان یک نتیجه‌گیری تاریخی از یعقوبی و مسعودی نقل گردیده است. البته بجاست بر این نکته تأکید شود که عبارت آن دو هیچ وضوحی در مورد اکثریت بودن «مانعین زکات» و اقلیت بودن مرتدان واقعی ندارد.

بازتاب جنگ با مانعین زکات در فضای همان عصر

چنانکه از منابع تاریخی برمی‌آید، برخی از صحابه، از جمله عمر بن خطاب پیش از آغاز جنگ با مانعان زکات، با پایگیری چنین جنگی مخالفت ورزیده بودند. با وجود این، پس از پایگیری جنگ از همراهی با آن خودداری نکرده‌اند. در اینجا به نمونه‌هایی از این گزارشها اشاره می‌شود:

۱. ابن شهاب زهری: «عمر بن خطاب به ابوبکر گفت: چرا با مردم می‌جنگی...؟ ابوبکر گفت به خدا سوگند اگر زکاتی را که به پیامبر (ص) می‌پرداختند به من نپردازند، گرچه پای‌بند شتری باشد حتماً با آنان می‌جنگم. عمر می‌گوید: به خدا سوگند آنگاه بود که دیدم خداوند سینه ابوبکر را برای جنگ گشاده و دانستم که او برحق است» (بخاری،

۱/۲۴۳، ۴/۱۹۶، ۲۵۷؛ نیز دیگر مآخذ پیش یاد شده).

۲. ابن عساکر: «ابورجاء عطاردی می گوید: چون وارد مدینه شدم، دیدم مردم ازدحام کرده اند و در میان ایشان مردی سر دیگری را می بوسد و می گوید: فدای تو گردم که اگر نبودى ما هلاک گشته بودیم. پرسیدم مسأله چیست؟ گفتند این عمر است که سر ابوبکر را می بوسد، چون با اهل رده که منع زکات کرده اند، جنگیده است». این نکته را صاحب الامامة والسیاسة نیز نقل کرده است (متقی هندی، ۴/ ۳۵۰، به نقل از ابن عساکر؛ الامامة والسیاسة، ۱/ ۱۷).

۳. شهرستانی: اختلاف هفتمی که میان مسلمین واقع شد، درباره جنگ با مانعین زکات بود؛ گروهی می گفتند که شایسته نیست با آنان چون کافران جنگ کرد و گروهی بر آن بودند که باید با ایشان جنگید» (شهرستانی، ۱/ ۳۱).

در دوره های پسین، جنگ های رده در ردیف مناقب خلیفه نخست قرار گرفت و حتی در روایتی، به ستایش او به سبب جنگ با مرتدان از سوی امیرالمؤمنین علی (ع) اشاره رفته است. جمعی از اهل حدیث به اسانید گوناگون از اسید بن صفوان از علی (ع) خطاب به خلیفه نخست چنین آورده اند که «... تو به بهترین روش به عنوان جانشین پیامبر (ص) عمل کردی، آنگاه که مردم مرتد گشتند...» (متقی هندی، ۴/ ۳۶۶، به نقل از تفسیر ابن ماجه، تاریخ ابن عساکر و مآخذ دیگر). البته باید توجه داشت که در منابع امامی، حدیث اسید بن صفوان با مضمونی کاملاً مشابه به عنوان گفتار شخصیتی ناشناس خطاب به حضرت علی (ع) نقل شده است (کلینی، ۱/ ۴۵۴؛ ابن بابویه، ۲۰۰).

گفتنی است مسأله رده به خصوص برای شیعه امامیه که در مورد بیعت سقیفه حساسیتی خاص داشته اند، مورد توجه بوده است. اندیشمندان امامیه در دوره های مختلف تاریخ، همواره مرتد شمردن مانعین زکات و جنگیدن با آنان را مورد انتقاد قرار داده، و حتی در مواردی تصریح کرده اند که آنچه آنان را واداشته تا زکات را به خلیفه نپردازند، باورهای آنان درباره بیعت سقیفه بوده است. از این جمله می توان به کسانی چون فضل بن شاذان (د ۲۶۰ق)، ابوالقاسم کوفی (د ۳۵۲ق)، سید مرتضی (د ۴۳۶ق)، شیخ طوسی (د ۴۶۰ق) و از متأخران سید رضی الدین ابن طاووس (د ۴۶۶ق) یاد کرد (فضل بن شاذان، ۷۲ به بعد؛ ابوالقاسم کوفی، ۷ به بعد؛ سید مرتضی، ۴/ ۱۶۱ به بعد؛

طوسی، ۳/ ۱۸۸ به بعد؛ ابن طاووس، ۲/ ۴۳۵ به بعد).

شماری از اندیشمندان اهل سنت نیز در عین اینکه حرکت تاریخی خلیفه در جنگ با مانعان زکات را مورد انتقاد قرار نداده‌اند، در مورد اینکه عدم پرداخت زکات موجب کفر و جواز قتل گردد، موضعی مخالف اتخاذ نموده‌اند. فقیهانی چون ابوحنیفه، مالک و شافعی برآنند که اگر کسی معتقد به وجوب زکات بوده باشد و تنها (به علی) از پرداخت آن امتناع ورزد، کافر نیست (ابویوسف، ۸۰؛ ماوردی، ۱۱۳؛ ابویعلی، ۱۱۵؛ ابن هبیره، ۱/ ۱۴۸).

تکنگاری‌های کهن در تاریخ رده

در نگرشی کلی، باید گفت یکی از پرسابقه‌ترین سبک‌های تاریخ‌نگاری اسلامی، تکنگاری‌های تاریخی است که تألیف آنها در سده‌های نخستین هجری در میان مورخان و اخباریان رواج تام داشته و با اندک تأخری به محافل محدثان نیز راه یافته است. اگرچه اوج گرایش به این سبک از تألیف تاریخی به سده‌های ۲ و ۳ بازمی‌گردد، اما اندک نمونه‌هایی از دوام این سبک را در سده‌های پسین نیز می‌توان باز یافت. این تکنگاری‌ها، به تعبیری کوتاه عبارت از آثاری هستند که موضوع آنها به یک واقعه یا جریان تاریخی محدود می‌گردد و عموماً از حجمی کوچک برخوردارند. باید یادآور شد که موضوع غالب این تکنگاری‌ها، جنگهای مشهور در تاریخ اسلام بوده و به طبع جنگهای رده نیز یکی از همین نمونه‌هاست.

از نظر محتوایی، تکنگاری‌های مورد بحث اگرچه دارای موضوعی تاریخی‌اند، اما روش آنها در تنظیم مطالب همواره روشی تاریخی نیست و گاه به داستان‌پردازی کشیده شده است. تکنگاری‌های تاریخی با توجه به قدمت آنها، در تحقیقات مربوط به دو سده نخست هجری و از جمله موضوعی چون رده از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در واقع بخش مهمی از آثار مدون تاریخی مربوط به سده‌های ۳ و ۴ق مانند تاریخ طبری و *انساب الاشراف* بلاذری، قطعاتی اقتباس شده از همین تکنگاری‌های تاریخی‌اند و وقوف بر این واقعیت، پژوهشگران را ملزم می‌سازد که در مقام نقد گزارشهای تاریخی و بررسی تطبیقی آنها، در موضوعات پیچیده تاریخ اسلام، مستقیماً از این تکنگاری‌ها بهره گیرند.

دشواری عمده بر سر راه بهره‌گیری مستقیم از تک‌نگارهای متقدم، این واقعیت است که بسیاری از آنها امروزه در شمار آثار یافت‌نشده‌اند و تنها شماری اندک از آن میان، مانند مغازی واقدی، صفین نصر بن مزاحم و الغارات ثقفی به عنوان آثاری متداول و سهل الوصول در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دارند. نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های جهان، گاه برای یافتن سراخی از برخی تک‌نگاری‌ها راهگشاست، اما نهایتاً باید به این حقیقت ناگوار اعتراف کرد که بخش بزرگی از این آثار در شمار نسخ خطی نیز جای ندارند. در اینجا باید به وجود راهی دشوار اما ممکن اشاره کرد که تاکنون بارها برای احیای آثار کهن تاریخی در جهان به کار گرفته شده و در مورد بسیاری از تک‌نگارهای قدیم اسلامی نیز راهی موفق برای احیای آنهاست. بهره‌گیری از این اصل که بسیاری از مندرجات کتب موجود تاریخی و گاه بخشی از مندرجات کتب غیر تاریخی در هر حوزه فرهنگی می‌تواند برگرفته از کتب پیشین بوده باشد، از متقدم‌ترین عهد تحقیقات نوین، این راه را در پیش روی پژوهشگران گشوده است که بتوان با استفاده از منقولات کتب پسین و با بهره‌گیری از روشی مستند و قابل اعتماد، تمام یا بخشی از منابع آنها، یعنی آثار اقدم را بازیابی کرد.

موارد شناخته از تک‌نگاری‌های مربوط به رده در سده‌های ۲ و ۳ق، در این بخش به ترتیب تاریخ شمرده شده‌اند:

۱. کتاب الرده، اثر ابومخنف لوط بن یحیی ازدی (د ۱۵۷ق) از اخباریان کوفه که به عنوان شخصیتی باگرایش شیعی شناخته شده است. برخی از فهرست‌نویسان کهن، چون ابن‌ندیم و نجاشی از این اثر ابومخنف یاد کرده‌اند و طبری در تاریخ خود، در باب اخبار رده بندرت قطعاتی از آن را اقتباس کرده است (ابن‌ندیم، ۱۰۵؛ نجاشی، ۳۲۰).

۲. کتاب المبعث و المغازی و الوفاة و السقیفة و الرده، نوشته ابان بن عثمان احمر بجلی، از رجال شیعه امامیه که در میانه سده دوم هجری در کوفه می‌زیسته است. در منابع شرح حال چون فهرست طوسی و رجال نجاشی از این مجموعه به عنوان یک تألیف جامع یاد شده و به راویان و طرق گوناگون روایت آن اشاره شده است. طوسی همچنین اشاره کرده که برخی از تحریرهای این کتاب، قدری افتادگی داشته است. درباره اهمیت این کتاب گفتنی است که از جمله منابع یعقوبی در تألیف کتاب تاریخ بوده

است.

برپایه نقلیات گوناگون از مضامین این کتاب، می‌توان برداشت کرد که نسخه‌هایی از آن تا سده ۶ق هنوز تداول داشته و کسانی چون فضل بن حسن طبرسی و ابن شهر آشوب سروی قطعاتی از آن را نقل کرده‌اند (طوسی، ۱۸-۱۹؛ نجاشی، ۱۳؛ یعقوبی، ۲/۶؛ طبرسی، ۸۲-۱۳۰، ۱۳۷-۱۳۸؛ ابن شهر آشوب، ۱/۲۸، ۲۰۶، ...). اخیراً آقای رسول جعفریان بر اساس موارد منقول در منابع گوناگون، این اثر را تا اندازه‌ای بازسازی کرده و با عنوان *المبعث و المغازی و الوفاة و السقیفة و الردة* به چاپ رسانیده است (قم، ۱۳۷۵ش). اما باید توجه داشت که در بخشهای بازبایی شده هنوز در بخش مربوط به اخبار رده خلأ دیده می‌شود.

۳. کتاب *الردة*، اثر سیف بن عمر اسدی (د بعد ۱۷۰ق) از اخباریان کوفه که درباره شخصیت علمی او گفتگوی دامنه‌داری در میان است. سیف بن عمر که گزارشهای او در باب وقایع گوناگون صدر اسلام بیشترین هماهنگی را با مواضع عثمانیه داشته است، از سوی عالمان اهل سنت با برخوردی دو گانه مواجه بوده است؛ از سویی گزارشهای او در سطح وسیعی مورد استفاده طبری در بخش صدر اسلام از تاریخ خود قرار گرفته و از دگر سو اعتبار او در نقل اخبار به شدت مورد تردید و نقد قرار داشته است (مثلاً نک: ذهبی، *میزان الاعتدال*، ۲/۲۵۵-۲۵۶). کتاب او با عنوان *الرده* از سوی کسانی چون ابن‌ندیم در *الفهرست* یاد شده و ابن‌خیر اشبیلی در *فهرسه* خود آن را *کتاب الردة و الفتح* نام نهاده است. در این کتاب به وقایع مربوط به رده و نیز فتوح خلفای سه‌گانه پرداخته شده و عمده‌ترین مأخذ طبری در نقل مباحث رده بوده و احتمالاً تمامی مضامین آن را در تاریخ خود نقل کرده است. باید افزود که ابن حجر عسقلانی نیز در مواضعی از *الاصابة* از آن بهره برده است (ابن‌ندیم، ۱۰۶؛ ابن‌خیر، *فهرسة*، ۲۳۷؛ ابن حجر، *الاصابة*، در صفحات متعدد؛ نیز نک: سزگین، ۱/۳۱۱-۳۱۲).

۴. کتاب *الردة*، نوشته ابو محمد عبدالله بن وهب فهری قرشی (د ۱۹۷ق) فقیه و محدث مصری و از شاگردان بنام مالک بن انس. وی در کنار مطالعات تاریخی و حدیثی خود، به نقل روایات تاریخی نیز اهتمام داشته و از همین رو اخبار پرشماری به نقل از وی در منابع مهم تاریخی، همچون *سیره ابن‌هشام و انساب الاشراف* بلاذری ثبت گردیده

است (ابن هشام، ۷/۱، ...؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۱/۱۲، ... و دیگر مآخذ). از کتاب *الرده* ابن وهب که در برخی منابع از آن یاد شده، هنوز چیزی افزون دانسته نیست (ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ۹/۲۲۵؛ قس: قاضی عیاض، ۲/۴۳۲-۴۳۳).

۵. کتاب *الرده*، اثر هشام بن محمد کلبی (د ۲۰۴ق)، از مورخان نامی کوفه که به گرایش شیعی شناخته شده است. اثری با این عنوان را نجاشی در شمارش آثار وی آورده است (نجاشی، ۴۳۵)، اما در حال حاضر چیزی افزون درباره آن دانسته نیست.

۶. کتاب *الرده*، نوشته ابو حذیفه اسحاق بن بشر بخاری (د ۲۰۶ق)، مورخ خراسانی که مدتی از روزگار خود را به تحصیل در مکه و مدینه گذرانده بود؛ اما روایات او بیش از همه در همان خراسان با استقبال روبرو شد. عناوین آثار وی و دیدگاه عالمان امامیه درباره اعتبار علمی او، گرایش وی به تشیع را می نمایاند (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۵/۳۲۵-۳۲۶).

برخلاف کتاب *وی المبتدأ* که رواجی قابل ملاحظه داشته و اکنون نیز نسخی از آن شناخته شده است، از کتاب *الرده* ابو حذیفه تنها نامی در فهرست ابن ندیم به میان آمده و او به صراحت آن را کتابی جدا از *المبتدأ* شمرده است (ابن ندیم، ۱۰۶).

۷. کتاب *الرده*، اثر محمد بن عمر واقدی (د ۲۰۷ق)، مورخ نامدار مدینه و مؤلف کتاب *مشهور المغازی*. برخی از فهرست نویسان چون ابن خیر اشبیلی و حاجی خلیفه از این اثر یاد کرده اند (ابن خیر، ۲۳۷؛ حاجی خلیفه، ۲/۱۴۲۰). ابن ندیم در *الفهرست* عنوان آن را به گونه ای آورده است که گویی واقدی کتابی با عنوان «*الرده و الدار*» تألیف کرده بوده است، ولی از برخی منابع به صراحت برمی آید که کتاب *الدار* مربوط به کشته شدن عثمان در خانه خود، و نوشته ای مستقل از کتاب *الرده* بوده است (ابن ندیم، ۱۱۱؛ ابن ابی الحدید، ۷/۳). ابن رستم طبری از عالمان امامی در سده ۴ق، ابن حبیش مورخ اندلسی (د ۵۸۴ق) و ابن حجر عسقلانی از جمله کسانی اند که از این اثر نقل قول هایی آورده اند (ابن رستم طبری، ۳۲، ۳۳، ۱۳۶؛ برای فهرست موارد نقل ابن حجر، سزگین، ۱/۲۹۶؛ برای ابن حبیش نک: سطور بعد). مارسدن جونز در سخن از آثار برجای مانده واقدی یاد آور شده است که از مجموع تصانیف واقدی، تنها دو کتاب *مغازی* ورده است که وی در انتساب آنها به مؤلف تردیدی روا نمی دارد. کتابی با عنوان کتاب *الرده* واقدی

در ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م به کوشش محمد حمیدالله در پاریس به چاپ رسیده است؛ اما این دیدگاه نیز وجود دارد که این اثر بخشی از کتاب الفتوح ابن اعثم کوفی است (جونز، ۱۳؛ دائرة المعارف الاسلامیة الکبری، ۲/۴۰۲).

۸. کتاب الردة، نوشته ابوالحسن علی بن محمد مدائنی (د ۲۱۵ق)، مورخ اهل عراق که بیشتر به عنوان تاریخ‌نگاری اعتدال‌گرا شناخته شده است. کتاب او در باب رده، به تصریح ابن ندیم در الفهرست نوشته‌ای مستقل بوده و نشانی از استفاده مؤلفان پسین از مضامین آن به دست نرسیده است (ابن ندیم، ۱۱۵؛ نیز حاجی خلیفه، ۲/۱۴۲۰).

۹. کتاب الردة، اثر ابواسحاق اسماعیل بن عیسی عطار (د ۲۳۲ق) مورخ کم‌شناخته بغدادی. او تنها مروج آموزشهای تاریخی ابوحنیفه بخاری در عراق بود. از نظر اعتبار رجالی، برخی چون ازدی او را تضعیف کرده و کسانی چون خطیب بغدادی به توثیق او برخاسته‌اند (نک: ذهبی، میزان الاعتدال، ۲/۲۴۵). دانسته ما از کتاب الردة او در حد نامی است که ابن ندیم در فهرست خود آورده است (ابن ندیم، ۱۲۲).

۱۰. کتاب الردة، نوشته وثیمة بن موسی فارسی (د ۲۳۷ق)، محدث و مورخ کم‌شناخته ایرانی. از نظر اعتبار در نقل، ابن ابی حاتم رجال شناس اهل ری، بدون آنکه مستقیماً صداقت او را مورد تردید قرار دهد، یادآور شده که در میان مرویات او برخی احادیث موضوع دیده شده است (ذهبی، میزان، ۴/۳۳۱). یادکرد کتاب الردة وثیمة در برخی منابع شرح حالی و کتابشناسی، همچون وفیات ابن خلکان و کشف الظنون دیده می‌شود. همچنین شایان ذکر است که این کتاب موضوع مقالاتی از لوی دل‌ویدا، گابریلی، شال، روزنتال و جواد علی نیز بوده است (ابن خلکان، ۱/۱۲؛ حاجی خلیفه، ۲/۱۴۲۰؛ نیز سزگین، ۱/۳۱۵). به هر تقدیر، کتاب الردة وثیمة که اکنون نسخه‌ای از آن شناخته نیست، دست کم تا سده ۹ق باقی بوده و مورد استفاده وسیع ابن حجر عسقلانی در الاصابه قرار گرفته است. هونرباخ منقولات کتاب الردة وثیمة را از الاصابه استخراج کرده و اطلاعات به دست آمده را بر اساس قبایل اهل رده ترتیب داده است (ابن حجر الاصابه، به کرات؛ هونرباخ، سراسر مقاله). این بازسازی در ۱۹۵۱م در فرهنگستان علوم ماینتس در ضمن «مقالات هنری و اجتماعی» به چاپ رسیده است. گفتنی است این کتاب در اختیار ابن عبدالبر نیز بوده و اقتباساتی از آن در الاستیعاب نیز دیده می‌شود

تاریخ رده در جوامع کهن تاریخی

افزون بر ضبط وقایع مربوط به رده در تک‌نگاری‌های یاد شده، این بخش از تاریخ صدر اسلام، در جوامع تاریخی متقدم نیز مورد توجه بوده و همواره بابی را به خود اختصاص می‌داده است. اگرچه برخی از این جوامع، از تک‌نگاریهای متقدم به عنوان منابع کار خود بهره گرفته‌اند، اما برخی از جوامع متقدم خود از نظر زمانی در عرض تک‌نگاریها جای گرفته‌اند. در سطور ذیل به برخی از اهم این جوامع اشاره خواهد رفت.

۱. کتاب الخلفاء، اثر ابو عبدالله محمد بن اسحاق (د ۲۳۴ق) نویسنده شهیر سیره از اهل مدینه. کتاب الخلفای ابن اسحاق ظاهراً به عنوان تکمله‌ای بر سیره نبوی، در تاریخ خلفای آغازین نوشته شده و احتمالاً بخشهایی مربوط به خلفای اموی و خلفای متقدم عباسی را نیز در برداشته است (ابن ندیم، ۱۰۵). از این کتاب نسخه‌ای شناخته نیست، اما چنین می‌نماید که روایات طبری از ابن اسحاق در مبحث رده از تاریخ خود، برگرفته از همین اثر او بوده باشد.

۲. تاریخ المدینه، نوشته ابوزید عمر بن شبة نمری (د ۲۶۲ق)، از مورخان مکتب بصره. این کتاب در چهار جلد به کوشش فهیم محمد شلتوت در ۱۴۰۲ق در مدینه به چاپ رسیده است، ولی چنین می‌نماید که نسخ مورد استفاده برای چاپ، در بخش مربوط به خلافت ابوبکر دارای افتادگی مهمی هستند. به هر تقدیر اخباری که طبری در تاریخ خود در مبحث مربوط به رده به نقل از ابوزید عمر بن شبة آورده است، به احتمال قوی باید برگرفته از بخش یافت‌نشده تاریخ المدینه بوده باشد؛ باید در نظر داشت که فهرست‌نویسانی چون ابن ندیم، در شمار آثار ابن شبة به اثری با موضوع مستقل رده اشاره نکرده‌اند.

۳. فتوح البلدان، نوشته ابوالحسن احمد بن یحیی بلاذری (د ۲۷۹ق)، صاحب انساب الاشراف. این کتاب درباره فتوح انجام یافته در زمان پیامبر اکرم (ص) و خلفای سه‌گانه تألیف شده و بخشی از آن نیز به وقایع رده اختصاص یافته است. فتوح البلدان که تاکنون بارها به چاپ رسیده است، یکی از منابع مهم و اساسی در ضبط اخبار رده به شمار

می آید، اما به طور کلی بیشتر اخبار آن با حذف اسانید به ثبت آمده است (بلاذری، فتوح البلدان، -۱۰۳ ۱۱۵).

۴. کتاب التاریخ، نوشته احمد بن ابی یعقوب ابن واضح مشهور به یعقوبی (د ۲۸۴ق) که بخش کوچکی از آن به موضوع رده اختصاص یافته است (یعقوبی، ۲/ ۱۲۸-۱۳۲). این منبع، به رغم اختصار بسیار و خالی بودن از اسانید، به سبب دسترسی مؤلف آن به منابع دست اول از اهمیت خاصی برخوردار است.

۵. تاریخ الامم و الملوک، اثر محمد بن جریر طبری (د ۳۱۰ق). طبری در این کتاب جریان رده را به طور مفصل و عمدتاً به نقل از سیف بن عمر و به عنوان روایات مکمل به نقل از ابومخنف و ابن اسحاق و دیگران ثبت کرده است. مندرجات تجارب الامم ابوعلی مسکویه (د ۴۲۱ق) نیز تقریباً اختصاری از مطالب طبری است (ابوعلی مسکویه، ۱/ ۱۶۵-۱۷۱).

۶. کتاب الفتوح، نوشته ابومحمد ابن اعثم کوفی از اخباریان عراق در نیمه نخست سده ۴ق. مبحث رده یکی از بخش های اصلی کتاب الفتوح را تشکیل داده و با توجه به منابع مؤلف در این اثر شامل آثار ابومخنف، هشام کلبی، واقدی، مدائنی و نصر بن مزاحم، گزارش آن از رده از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار است.

۷. کتاب الغزوات، یا کتاب المغازی، اثر ابن حبیب عبدالرحمن بن محمد اندلسی (د ۵۸۴ق). ابن حبیب در این کتاب به شرح فتوحات نیمه اول سده نخست پرداخته و در اوایل مباحث خود، بخشی را نیز به جریان رده اختصاص داده است. وی در ضبط وقایع رده، به برخی از منابع مهم، از جمله کتاب الردة واقدی استناد کرده و همانگونه که کائثانی یادآور شده، بهره گیری او از این اثر، وسیع تر از طبری بوده است (کائثانی، 550/ (1) II).

غزوات ابن حبیب تا کنون به چاپ نرسیده و چندین نسخه خطی از آن در کتابخانه های جهان، از جمله کتابخانه سلطنتی برلین نشان داده شده است. آلوارت در فهرست این کتابخانه، فهرست کاملی از فصول و ابواب کتاب را به دست داده است (آلوارت، 221/ IX؛ نیز دانلوپ، 362-359). گفتنی است شاگرد ابن حبیب، ابوالربیع کلاعی در اثری با عنوان الاکتفاء به تکمیل کار استاد خود پرداخته که به کوشش مصطفی

عبدالواحد در قاهره، مطبعة الخانجی (بار دیگر بیروت، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۸م) به چاپ رسیده است.

منابع:

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، ۱۳۷۹ق/۱۹۵۹م.
- ابن اعثم کوفی، احمد، الفتوح، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۸-۱۳۹۵ق/۱۹۶۸-۱۹۷۵م.
- ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، بیروت، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة، مصر، ۱۳۲۸ق.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۷۱-۱۹۷۲م.
- ابن خیر اشبیلی، محمد، فهرسة، به کوشش ف. کودرا، بغداد، ۱۹۶۳م.
- ابن رستم طبری، محمد بن جریر، المسترشد، نجف، کتابخانه حیدریه.
- ابن شبه، عمر، تاریخ المدینة، به کوشش فهیم محمد شلتوت، مکه، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، چاپخانه علمیه.
- ابن طاووس، علی، الطرائف، قم، ۱۴۰۰ق.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، در حاشیة الاصابة (نک. ابن حجر).
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، به کوشش رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰ش.
- ابن هبیره، یحیی، الافصاح، به کوشش محمد راغب طباح، حلب، ۱۳۶۶ق/۱۹۴۷م.
- ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، به کوشش طه عبدالرؤف سعد، بیروت، ۱۹۷۵م.
- ابوداود سجستانی، سلیمان، سنن، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، دار احیاء السنة النبویة.
- ابو علی مسکویه، احمد، تجارب الامم، به کوشش ابوالقاسم امامی، تهران، ۱۳۶۶ش.
- ابوالقاسم کوفی، علی بن احمد، الاستغاثة، نجف، بی تا.
- ابویعلی، محمد بن حسین، الاحکام السلطانیة، به کوشش محمد حامد فقی، قاهره، ۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م.

- ابویوسف، یعقوب، الخراج، بیروت، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م.
- احمد بن حنبل، مسند، مصر، ۱۳۱۳ق.
- الامامة و السياسة، منسوب به ابن قتیبہ، مصر، ۱۳۸۸ق/۱۹۶۹م.
- بخاری، محمد، صحیح، با حاشیة سندی، بیروت، دارالمعرفه.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، به کوشش محمد حمیدالله، قاهره، ۱۹۵۹م.
- همو، فتوح البلدان، به کوشش رضوان محمد رضوان، بیروت، ۱۳۹۸ق/۱۹۸۷م.
- ترمذی، محمد، سنن، به کوشش احمد محمد شاکر و دیگران، قاهره، ۱۳۵۷ق/۱۹۳۸م به بعد.
- جوزی، مارسدن، مقدمه بر المغازی و اقدی، لندن، ۱۹۶۶م.
- حاجی خلیفه، کشف الظنون، استانبول، ۱۹۴۱-۱۹۴۳م.
- دائرة المعارف الاسلامیة الکبری، تهران، ۱۳۷۰ش به بعد.
- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۷ش به بعد.
- ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب ارنووط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م.
- همو، میزان الاعتدال، به کوشش علی محمد بجای، قاهره، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۳م.
- سید مرتضی، علی بن حسین، الشافی فی الامامة، به کوشش عبدالزهراء حسینی خطیب، تهران، ۱۴۱۰ق.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، به کوشش محمد بدران، قاهره، ۱۳۷۵ق/۱۹۵۶م.
- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، نجف، ۱۳۹۰ق.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ، قاهره، ۱۳۵۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن، تلخیص الشافی، قم، ۱۳۹۴ق/۱۹۷۴م.
- فضل بن شاذان، الايضاح، بیروت، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م.
- قاضی عیاض، ترتیب المدارک، به کوشش احمد بکیر محمود، بیروت/طرابلس، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م.

- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۷ق.
ماوردی، علی بن محمد، الاحکام السلطانیة، قاهره، ۱۳۹۳ق/۱۹۷۳م.
متقی هندی، منتخب کنز العمال، همراه مسند احمد (نک: احمد).
مسعودی، علی بن حسین، التنبيه و الاشراف، قاهره، ۱۳۵۷ق/۱۹۳۸م.
همو، مروج الذهب، به کوشش یوسف اسعد داغر، بیروت، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۶م.
مسلم بن حجاج، صحیح، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، ۱۹۵۵م.
نجاشی، احمد بن علی، الرجال، به کوشش موسی شبیری زنجانی، قم، ۱۴۰۷ق.
نسائی، احمد بن علی، سنن، قاهره، ۱۳۴۸ق.
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ، بیروت، ۱۳۹۷ق/۱۹۶۰م.

Ahlwardt, W., Verzeichniss der arabischen Handschriften der koniglichen Bibliothek zu Berlin, Berlin, 1887-1899.

Caetani, L., Annali dell'Islam, Milano, 1905.

Dunlop, D.M., "The Spanish Historian Ibn Hubaish", JRAS, 1941.

Hoenerbach, W., Watimas K. ar-Ridda aus Ibn Hagars Isaba, ein Beitrag zur Geschichte des Abfalls der Araberstamme nach Muhammads Tod, Wiesbaden, 1951.

Sezgin, F., Geschichte der arabischen Schriftums, Leiden, 1967.